

فهرست

پیش در آمد / ۷

محمد رضا لطفی؛ به روایت یک گزارش / ۱۳

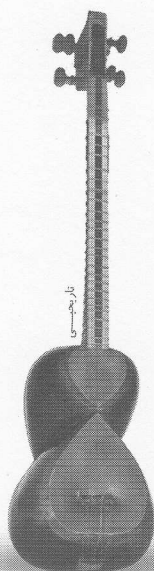
پهلوان تار؛ درباره‌ی محمد رضا لطفی و به بهانه‌ی ۵۵ سالگی اش / ۳۱

لطفی پیری همچنان دلیر است؛ به بهانه‌ی حضور دوباره‌ی محمد رضا لطفی روی صحنه / ۴۱

در این عشق چو میرید همه روح پذیرید؛ در فقدان محمد رضا لطفی / ۵۱

دفاعیه‌ای از موسیقی ایرانی / ۸۱

منابع / ۱۲۷



Shiraz-Beethoven.ir

شجریان)، پیش‌درآمد بیات ترک (چاووش ۱) و پیش‌درآمد و رنگ سه‌گاه (چاووش ۹).

دیگر فعالیت او در آن دوران که باید بر آن تأکید ورزید کار با خوانندگان جوان و معرفی آنان بود به جامعه‌ی موسیقی که از آن جمله: هنگامه اخوان، «شهرام ناظری» و «صدیق تعریف» را می‌توان نام برد که اولین فعالیت خود را با لطفی آغاز کردند و نیز همکاری او با شجریان که سرفصل دیگری بود برای آواز شجریان. ارائه‌ی کنسرت‌های سه‌گاه جشن طوس، نوای باغ فردوس و راست‌پنجگاه جشن هنر نمونه‌های بسیار خوب و متفاوت همکاری این دو هنرمند بود.

مخمس شکل گیرد، بلکه بدان صورت که ساختمان کلی آهنگ یا بیف‌های لطفی، حاصل درون‌تابی شهود هنری او است و در زمانی در حالت مناسب با خلق اثری شکل می‌گیرد و کار تمام‌شده می‌شود و پس از آن می‌ماند است‌بردن در جزئیات کار و صیح و تکمیل آن اگر بدان نیازی شد. (اکثر ساخته‌های لطفی با کلام برپایه‌ی فرم تصنیف خلق شده و ار سازی کمتر در کارهای او دیده شود).

تصانیف به‌یادماندنی زیبا اساس اشعار شاعران قدیم و دید دارد و تصنیفی بر روی شعر ما به‌نام «داروک» که از نمونه‌های موفق تلفیق موسیقی با شعر نو است، به‌علاوه‌ی چند قطعه‌ی سازی از آثار به‌جامانده از او پیش از رهی انقلاب است. برخی از این عبارت‌اند از: بمیرید بمیرید (مرضیه)، سحر کی دمد (مرضیه)، یاد عارف («محمد رضا شجریان»)، بدگان و رفتگان (محمد رضا جریان)، سپیده‌ی سحر (مرضیه)، ز بهار تازه‌تر («محمد گلریز»)، آدمم («هنگامه اخوان»)، عید آمد سیما بینا»، داروک (محمد رضا جریان)، ناز لیلی (محمد رضا

نواخته‌هایش را به‌دقت می‌شنوم این ناامیدی است که غلبه دارد، چنان‌که با خود می‌گویم: «با وجود او تارزدن چه سودی دارد؟»^۹ ولی اگر کمی فارغ و رها باشم انرژی و شوق و امید است که مغلوبم می‌کند، آن وقت است که می‌توانم ساعت‌ها بنوازم.

ژرف‌اندیشی، دورنگری، انرژی فراوان و صبوری و حوصله‌ی بی‌پایان از ویژگی‌های بارز لطفی بود. همین خصوصیات سبب می‌شد همواره و در طول چهار دوره‌ی مهم و متفاوت از زندگی هنری‌اش^{۱۰} مراکز و نهادهایی را ایجاد و به‌خوبی مدیریت و سامان‌دهی کند. کسی نمی‌دانست این همه وقت را از کجا می‌آورد. گویی شبانه‌روز او ساعاتی افزون بر شبانه‌روز دیگران داشت. در نخستین دوره‌ی فعالیتش، یعنی در سال‌های پیش از انقلاب گروه شیدا را پایه‌گذاری کرد و در طی چند سال با پیگیری تمام به اجرا و بازسازی آهنگ‌های متعددی از ساخته‌های کسانی چون غلامحسین درویش، رکن‌الدین مختاری، علی‌اکبر شیدا، عارف قزوینی، «محمدعلی امیرجاهد» و... پرداخت.

نخستین حاصل کار این گروه، تصنیفی به‌نام «الا ساقیا» از ساخته‌های علی‌اکبر شیدا بود. شنوندگان آن روزگار این‌گونه فعالیت‌های او را بیشتر از طریق برنامه‌ی رادیویی «گلچین هفته» پیگیری می‌کردند. شاید یکی از خاطره‌برانگیزترین دوران زندگی هم‌نسلان من انتظار طاقت‌فرسا و

بهار شیراز بودیم و تازه «موسم گل» رویا صدای خانوم هنگامه اخوان کرده بودیم. برای برومند نوارو شتم خیلی ذوق کرد و لباس از لذت می‌خورد. قطعه داشت تموم می‌شد برومند گفت: حالا دیگه ما باید از لطفی ساززدن یاد بگیریم.» (پیر زندیش، ص ۴۴۹)

پیش از انقلاب، پس از انقلاب، دوره‌ی جرت، دوره‌ی بازگشت. در مجموع بیست رسمی او از سال ۱۳۵۰ آغاز شد و سال به‌طول انجامید، ولی پیش از آن بارها در شهرهای گرگان و سمنان به تنه رفته بود. بعد از ظهر روز جمعه پنجم بهشت ماه ۱۳۹۳، یک هفته پیش از رفتن در بیمارستان لاله در محضرش م. بسیار سرحال بود. وارد که شدم قبول خوردن بستنی از دست همسر بان و محترم‌ش خانم «ربکا جلیلی» بود. کی بعد پسرش «سرو» هم آمد. کمی صحبت کردیم «عطاله امیدوار» (عکاس پورا) تماس گرفت و پرسید آیا می‌تواند دیدارش بیاید؟ پاسخ آری بود. از من سید «عطا را می‌شناسی؟» گفتم: «بله روز یادتان نیست؟ از دوره‌ی چاووش شامش» گفت: «دوستی من و عطا اردوی رامسر شروع شد؛ امروز حساب نظام از زمانی که در رامسر جایزه گرفتم است پنجاه سال می‌گذرد.»

در طول زمامداری صفویان که از سال ۹۰۶ ق آغاز شد جدای از دوران کوتاهی در زمان سلطنت شاه‌عباس، موسیقی‌دانان هیچ‌گاه روی آسایش ندیدند. شاه‌عباس هم با آنکه همچون شاه‌تهماسب و شاه‌سلیمان و سلطان‌حسین پای‌بند به رعایت امور شرعی نبود، به‌واسطه‌ی افراط و تفریط و بر اثر تلون مزاج، موجد امنیت و ثبات برای موسیقی‌دانان نشد. او هرگاه میل به شراب‌خواری داشت می‌خواران و می‌فروشان را آزاد می‌گذاشت و هرگاه به میل خود یا تجویز اطبا نوشیدن را ترک می‌کرد، به‌موجب فرمانی تمام رعایای ممالک محروسه را از شراب‌خواری منع و خاطیان از فرمان منع شرب را به‌سختی مجازات می‌کرد. روایت زیر که در ارتباط با یکی از اهل موسیقی آن روزگار نیز هست، برخوردهای ضد و نقیض او را نشان می‌دهد:

در اصفهان آن روزگار می‌خواری در قهوه‌خانه‌ی باباشمس همیشه آزاد بود. می‌خوارانی که در زمان منع شرب، مهر باباشمس را در کف دست خود به مأموران حکومت نشان می‌دادند از مجازات معاف بودند. امتیاز اعطاشده به باباشمس به این واسطه بود که هنگام مهاجرت از شیراز به اصفهان، خواننده‌ی خوبرو و خوش‌صدایی به‌نام «گنجی» را همراه خود به اصفهان آورده بود، شاه‌عباس چون وصف خوانندگی و خوبری گنجی را شنید او را به اندرون و دربار خود برد، یعنی بهترین وسیله‌ی جلب مشتری به قهوه‌خانه باباشمس را از کفش به‌در آورد و در عوض او را در عرضه‌ی شراب در قهوه‌خانه‌اش آزاد گذاشت. عاقبت گنجی خواننده نیز چیزی جز مرگ به قهر نبود؛ چرا که روزی مزاج شاه خوب نبود و به‌واسطه‌ی از او رنجید و فرمان به قتلش داد.

۱۱. پیداست که مقصود آن موسیقی است که از سوی دستگاه حاکم تبلیغ و ترویج می‌شود. بی‌تردید موسیقی ناب و اصیل به حکم تاریخ و با اتکا به پایمردی حافظان آن همیشه همچون آتش زیر خاکستر گذاخته و در انتظار مجالی برای زبانه‌کشیدن است. هرچند سیاست‌های سوء و نادرست می‌تواند فرصت‌های بروز را به‌تعویق بیندازد.